

هو الفتح

کلید چک

نویسنده: حمید رضا خداپرست

محمد علی خداپرست

توسعه
آموزش

سروشنامه	: خداپرست، حمیدرضا، ۱۳۶۸-
عنوان و نام پدیدآور	: کلید چک/ نویسنده حمیدرضا خداپرست، محمدعلی خداپرست.
مشخصات نشر	: تهران: کلید توسعه آموزش مثبت، ۱۳۹۱.
مشخصات فاهری	: ۷۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۸۹-۱۷-۳
اهمیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی: کلید آموزش، ۱۳۸۹.
موضوع	: چک
شماره الزوده	: خداپرست، محمدعلی، ۱۳۶۱-
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ک ۸۴۶/ع ۱۶۹۱ HG
رده بندی دیویی	: ۳۳۲/۷۶
شماره کتاب شناسی ملی	: ۲۸۴۰۰۲۲

توسعه آموزش

نام کتاب: کلید چک

مؤلف: حمیدرضا خداپرست - محمدعلی خداپرست

ناشر: کلید توسعه آموزش مثبت

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۸۹-۱۷-۳

قیمت: ۱۳۰۰ تومان

کلیه حقوق و حق چاپ متن، طرح روی جلد و عنوان کتاب با تکرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فهرست

پیشگفتار

تاریخچه پیدایش پول

مطالعه این کتاب چه فایده‌ای دارد؟

این کتاب برای چه کسانی نوشته شده است؟

فصل اول: چک چیست؟

شرایط افتتاح حساب جاری برای اشخاص حقیقی

شرایط افتتاح حساب جاری برای اشخاص حقوقی

چک

مشخصات ظاهری چک

فلسفه‌ی امضاء پشت چک

ظهور نویسی

چک عمومی امنیبوس «Omnibus»

فرق میان ذینفع چک و دارنده‌ی چک

فصل دوم: ارکان اساسی چک

تاریخ صدور

مبلغ چک

محل پرداخت

امضاء صادرکننده

چک سفید امضاء

فصل سوم: وصول (نقد کردن) چک

دریافت نقدی وجه چک

خراب‌بودن چک به حساب!!

فصل چهارم: چهل

یک یا دو امضا؟

دستور عدم پرداخت وجه چک

فصل پنجم: چک

گواهینامه عدم پرداخت چک

گواهینامه عدم پرداخت قسمتی از وجه چک

مدت زمان طرح شکایت کیفری

فوت صادرکننده چک

گردش چک

رضایت شاکی

فصل ششم: رفع سوء اثر چکهای برگشتی

نحوه رفع سوء اثر

فصل هفتم: حسابداری بانک

پیوست: قانون صدور چک (مصوب ۶۱/تیر/۵۵۳۱ با اصلاحات مصوب ۱۱/آبان/۲۷۳۱ و اصلاحات مصوب

۲/شهریور/۲۸۳۱)

سخن آخر

پیشگفتار

تاریخچه‌ی پیدایش پول

آیا می‌دانید در زمان‌های خیلی قدیم، آن موقع‌ها که هنوز چیزی به نام پول وجود نداشت، مردم چگونه خرید می‌کردند؟ یا در ازای کاری که انجام می‌دادند چه می‌خواستند؟ مثلاً فرض کنید که در آن زمان زندگی می‌کردید و خدای ناکرده دندان درد می‌گرفتید. با توجه به اینکه آن وقت‌ها از دندانپزشک و البته هزینه‌های و استنکاف روزی - که هر آدمی را از مراجعه به دندانپزشک پشیمان می‌کنند - خبری نبود، پس شما چاره‌ای نداشتید جز اینکه آن دندان مشکل‌دارتان را بکشید (احتمالاً با انبر دست!!) و برای همیشه از شرش خلاص شوید. مسلماً آن طیب انبر دست به دست‌ها هم همین‌طور مفت و مجانی که دندان‌تان را نمی‌کشید. بالاخره لازم بود شما یک هزینه‌ای را بابتش پرداخت می‌کردید؟ خوب از پول که خبری نیست، پس باید چه چیزی می‌پرداختید؟ بیاید با هم مروری بر تاریخچه‌ی پیدایش پول داشته باشیم.

از گذشته‌های خیلی دور شروع می‌کنیم. یک کشاورز و یک دامدار را در روستایی در نظر بگیرید. حالا فرض کنید که این دو نفر مثلاً همزمان با هم هوس چلوکباب می‌کردند! مسلماً کشاورز برای رسیدن به خواسته‌اش به گوشت و دامدار به برنج احتیاج داشت. بنابراین این دو می‌توانستند با معاوضه‌ی برنج و گوشت با یکدیگر نیاز هم را برطرف کنند. حالا فرض

کنید که مثلاً یک نفر سومی که پارچه فروش بود به این جامعه‌ی دو نفری اضافه می‌شد و اتفاقاً او هم هوس چلوکباب می‌کرد! خب این پارچه‌فروش قصه‌ی ما! برای رسیدن به خواسته‌اش هم به گوشت و هم به برنج احتیاج داشت و در نتیجه می‌توانست با مبادله‌ی پارچه با کشاورز و دامدار و گرفتن برنج و گوشت از آنها به خواسته‌ی خودش برسد. از طرفی با این کار کشاورز و دامدار هم می‌توانستند از پارچه‌ای که گرفته بودند برای خود و احتمالاً خانواده‌شان لباس بدوزند و ...

به این سیستم می‌گوییم: مبادله‌ی کالا با کالا. همان‌طور هم که دیدید تا اینجا قصه‌ی این سیستم کاملاً جواب داده و هیچ مشکلی هم نیست. اما فکر می‌کنید این سیستم تا کی می‌تواند همین‌طور بدون مشکل ادامه پیدا کند؟ برای رسیدن به پاسخ این سوال کافی است کمی دیگر قصه‌مان را ادامه بدهیم. به اینجا رسیده بودیم که کشاورز و دامدار می‌توانستند از پارچه‌ای که گرفته بودند برای خودشان لباس تهیه کنند. حالا به نظر شما عمر مفید یک لباس چقدر است؟ یک سال، دو سال یا ... راستش خود ما که لباس‌هایمان را تا ۱۰ سال هم می‌پوشیم و صدایمان هم در نمی‌آید!! ولی خب یک کیسه برنج مثلاً ۰۱ کیلویی نهایتاً بعد از یکی دو ماه تمام می‌شود. پس نتیجه می‌گیریم که آن کشاورز و دامدار دیگر به این زودی‌ها نیازی به پارچه نداشتند و اگر پارچه‌فروش قصه‌ی ما بعد از یک هفته دوباره هوس چلوکباب می‌کرد و می‌خواست باز هم پارچه‌هایش را بدهد و برنج و گوشت بگیرد، کشاورز و دامدار قبول نمی‌کردند. اینجا است که کم‌کم ناکارآمدی روش مبادله‌ی کالا با کالا مشخص می‌شود و هر چقدر هم تعداد افراد جامعه را بیشتر در نظر بگیریم با مشکلات بیشتری مواجه می‌شویم.